



Identifying Future Scenarios of Geopolitical Developments in the Southern Caucasus by 2035

Abdol-Ali Pourshashb

Associate Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Mohammad Ahadi

Associate Professor of Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Rahim Ilghami

Graduate of Political Sciences from Shahid Beheshti University, Researcher at Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Mahdi Amiri

Ph.D. Student in Strategic Defense Sciences, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: amiri_m1400@gmail.com

Abstract

Scenario-Based Policy-Making is a modern approach that enables decision-makers to design policies by identifying possible future scenarios for a given phenomenon. This method not only enhances readiness and accelerates response in crises but also potentially reduces the costs of policy implementation. Widely applied in complex and dynamic environments, scenario-based policy-making has become increasingly relevant in strategic studies and international relations. Considering the importance of Iran's surrounding environment, the evolving conditions in the Southern Caucasus, and the roles of various regional and extra-regional actors, identifying future scenarios in this region is particularly important for Tehran. This article aims to develop future scenarios for geopolitical developments in the Southern Caucasus over a 10-year horizon using the Pedram-Ahmadian scenario-writing method. Data were collected from open-source documents and validated through expert panels. Based on this method, six regional-peripheral actors and four extra-regional actors were identified, and the drivers influencing their actions were categorized into six groups. By analyzing the possible interactions between these uncertainties, two key uncertainties shaping the future of the Southern Caucasus were identified: "Internal stability/instability in the Caucasus" and "West/East as the primary actor." Consequently, four scenarios were developed, with the "active role of Eastern powers" and "stability among the political units of the Southern Caucasus" identified as the ideal scenario for the Islamic Republic of Iran over the 10-year horizon.

Keywords: Scenario-Based Policy-Making, Scenario Development, South Caucasus, Defense Policy.



شناسایی سناریوهای آینده تحولات ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی در افق ۱۴۱۴

عبدالعلی پورشاسپ

دانشیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

محمد احدی

دانشیار علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

رحیم ایلغمی

دانش آموخته علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگر دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

مهدی امیری

دانشجوی دکتری علوم دفاع راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: amiri_m1400@gmail.com

چکیده

در این تحقیق با عنوان «شناسایی سناریوهای آینده تحولات ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی در افق ۱۴۱۴» با بهره‌گیری از روش سناریونویسی پدram-احمدیان و به‌صورت کاربردی پس از انجام مطالعات نظری و تشکیل تیم خبرگی متشکل از افراد صاحب‌نظر مرتبط با موضوع و مسائل دفاعی و اخذ نظرات آنان، پرسش‌نامه‌ای جهت اخذ نظر جامعه آماری تنظیم و طراحی گردید، این پرسش‌نامه در جامعه آماری ۵۰ نفری به‌صورت تمام شمار توزیع و پس از اخذ نظر جامعه آماری با استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های آماری، تجزیه و تحلیل شده و در ادامه در پل‌های خبرگی اعتبارسنجی شده است. بنابراین جهت رسیدن به سؤال اصلی؛ ۶ بازیگر منطقه‌ای-پیرامونی و ۴ بازیگر فرامنطقه‌ای شناسایی و پیشران‌های مؤثر بر گزینه اقدام آن‌ها نیز در ۶ بخش دسته‌بندی شد. سپس با تقاطع فضاهای احتمالاتی، به دو ناطمینانی کلیدی در آینده قفقاز جنوبی دست یافتیم؛ «ثبات‌سی ثباتی داخلی در قفقاز» و «بازیگردانی غرب-شرق». بر این اساس ۴ سناریو مورد شناسایی واقع شد که در آن بازیگردانی قدرت‌های شرقی و ثبات در واحدهای سیاسی منطقه قفقاز جنوبی به‌عنوان سناریوی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۰ ساله معرفی شد.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری سناریوپایه، سناریوپردازی، قفقاز جنوبی، سیاست دفاعی

مقدمه

شتاب گرفتن نرخ تغییرات در حوزه‌های مختلف از جمله دفاع، روابط بین‌الملل، اقتصاد، فناوری‌ها، محیط زیست و ...، تحولات شتابان و شگفتی‌ساز در جهان معاصر، ضرورت پیش‌بینی و آینده‌پژوهی پیرامون آن را دوچندان می‌سازد. تغییرات و تحولات چنان برق‌آسا از راه می‌رسند که حتی لحظه‌ای درنگ می‌تواند بهای گزاف غافلگیری راهبردی در عرصه‌های سیاسی فرهنگی و اقتصادی را بر حکومت‌ها تحمیل کند و منافع دولت-ملتی را از بین برد. بنابراین در این محیط سرشار از بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال موفقیت و کامروایی دارد، تلاش برای آینده است و این امر به این معنا است که آینده‌پژوهی در هر حوزه حکومت‌داری برای دستیابی به منافع ملی امری ضروری است (کریمی شیرودی، ۱۳۹۷: ۱۵).

منطقه قفقاز جنوبی متشکل از جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان، یکی از مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران است که در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به بسترهای همکاری مساعدی با جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است و فارغ از این موضوع که تا چه میزان از این ظرفیت‌ها استفاده شده؛ باید توجه داشت که تحولات در جمهوری‌های منطقه قفقاز جنوبی به شدت بر جایگاه منطقه‌ای، اوضاع داخلی و مناسبات خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. از این رو یکی از مسائل و موضوعات مهم بازیگری جمهوری اسلامی ایران در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی برای دستیابی به حداکثر منافع ملی و تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای کسب دورنمایی از چیستی و چگونگی تحولات در منطقه قفقاز جنوبی است. در نتیجه، سؤال اصلی مقاله این است که سناریوهای احتمالی دفاعی ناشی از تحولات ژئوپلیتیک در حوزه قفقاز جنوبی در افق ۱۴۱۴ ساله کدامند؟



۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با تحولات در منطقه قفقاز جنوبی، آثاری منتشر شده که به برخی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌شود:

فتح‌الله کلانتری (۱۳۹۹) مقاله‌ای با عنوان اولویت‌بندی مهم‌ترین پویش‌های تهدیدزای متوجه ایران از راه قفقاز جنوبی چیست؟ را تدوین نموده و نتیجه حاصل از این مقاله این است که در پاسخ به پرسش اصلی با تحلیل نتایج پیمایش حوزه‌های اصلی تهدیدات در قفقاز جنوبی که می‌توان خطرهایی را متوجه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کنند به این شکل اولویت‌بندی نموده است:

۱. حوزه نظامی و امنیتی؛
۲. حوزه اقتصادی؛
۳. حوزه فرهنگی؛
۴. حوزه محیط زیستی؛
۵. حوزه سیاسی و مهم‌ترین پویش‌های تهدیدزا متوجه ایران، پویش‌های نظامی و اقتصادی هستند.

فاطمه دینارلو (۱۳۹۱) رساله خود را با عنوان جایگاه قفقاز جنوبی در سیاست خارجی ایالات متحده و روسیه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین نموده است که در این پژوهش نتیجه‌گیری گردیده است که فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال جمهوری‌های قفقاز، مسائلی چون اختلافات قومی، درگیری‌های داخلی، بی‌ثباتی و مشکلات اقتصادی ناشی از این فروپاشی زمینه را برای بهره‌برداری‌های اقتصادی و اعمال نفوذ توسط قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم کرده است. آمریکا و روسیه دو بازیگری هستند که در این میان از تأثیرگذاری و اهمیت بیشتر نسبت به سایرین برخوردارند. لذا یکی از اصول محوری که برای این دو کشور مطرح است، مسئله بازدارندگی است. به این معنا که از ظهور و نفوذ هرگونه قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که منافع آن دو را در منطقه تحدید و تهدید کند جلوگیری به عمل آورند. از آنجاکه ایران به دلایل متعدد در این منطقه ذی‌نفع است و از

طرفی روسیه این منطقه را محیط استراتژیک خود دانسته و از طرف دیگر منطقه از جهات متعدد ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک برای کشور آمریکا حائز اهمیت است، طبعاً تعارض منافعی در این میان ایجاد می‌گردد و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را متأثر می‌نماید.

حسن خوزین (۱۴۰۰) رساله‌ای با عنوان راهبردهای ناشی از حضور کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در آذربایجان بر امنیت ایران نگاشته است که براساس پژوهش صورت گرفته تنگ‌تر شدن حلقه محاصره امنیتی کشور، افزایش تنش‌های مرزی و قومی، کوتاه شدن دست بلند ایران در نفوذ منطقه‌ای، رصد و جاسوسی علیه کشور و حذف جمهوری اسلامی ایران از معادلات منطقه‌ای ضمن حضور عناصر تکفیری و سلفی در مجاورت مرزها، تأثیرات حضور کشورهای مذکور بر امنیت ایران ملی کشور بوده و بهترین راهکار برای کاهش یا خنثی‌سازی آثار منفی حضور این کشورها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، گسترش ارتباطات دیپلماتیک و شفاف‌سازی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال همسایگان و اعتمادسازی در میان همسایگان است. بنابراین تقویت دیپلماسی دو یا چندجانبه، مقابله با پروژه ایران‌هراسی در کنار تفاهم‌های اقتصادی می‌تواند زمینه اعتمادسازی مورد نیاز را بیش‌ازپیش فراهم سازد.

محمدحسین افشردی و موسی حامد بابائی (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان عوامل ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه قفقاز جنوبی مرتبط با مسائل دفاعی ارائه دادند که براساس یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل انجام‌شده، عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر انتخاب راهبرد دفاعی ایران در مقابل کشورهای منطقه قفقاز جنوبی در ابعاد، فیزیکی (طبیعی)، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی در قالب ۹۴ عامل ژئوپلیتیکی برحسب میانگین (ضریب اهمیت) تعیین گردیدند. در بین این عوامل مشاهده گردیده که عامل «نفوذ رقبا و دشمنان در نزدیکی مرزهای شمالی کشور» و پس از آن عامل «علاق بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در قفقاز» بیشترین تأثیر را بر انتخاب راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. همچنین از بین



این عوامل، عامل «وجود تفکرات دینی در میان اکثریت مردم آذربایجان» کمترین اثرگذاری را بر انتخاب راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران داشته است.

ابوالقاسم اکبرنژاد و دیگران (۱۴۰۳) مقاله‌ای با عنوان ارائه الگوی راهبردی در اداره امور روابط با همسایگان به انجام رساندند که براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این پژوهش، بررسی شده است که چگونه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به‌عنوان یک منبع اصلی برای تعیین اصول حاکم بر سیاست و روابط خارجی این کشور با همسایگان عمل کند. با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها، الگوی راهبردی در اداره امور روابط با همسایگان براساس قانون اساسی برای پیشبرد سیاست حسن همسایگی ایران مورد بررسی قرار گرفته است و نتیجه‌گیری شده است که اصول مهمی که در سیاست و روابط خارجی ایران تأکید شده‌اند شامل حاکمیت قانون خدا، تنظیم سیاست خارجی براساس معیارهای اسلامی، حمایت از جنبش‌های اسلامی، همه مسلمانان یک امت‌اند، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، سلطه بیگانه ممنوع، استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان، صدور انقلاب، دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان، پناهندگی سیاسی و تصمیم‌گیری در روابط خارجی با شورای عالی امنیت ملی و تأیید رهبری و دستگاه مجری وزارت امور خارجه هستند.

۲. مفهوم‌شناسی

آینده‌پژوهی: آینده‌پژوهی تلاش و تکاپوی نظام‌مندی است که در جهت اصلاح فهم ما از پیامدهای آینده ناشی از تحولات و انتخاب‌های کنونی است. به عبارتی هر تلاشی که در جهت روشمند کردن فرضیه‌ها و برداشت‌های ما در باب آینده باشد. این تلاش‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: آینده‌های احتمالی، ممکن و مطلوب (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ۱۷).

سناریو: سناریو، داستانی همراه با روابط علی باورپذیر است که موقعیت و وضعیتی در آینده را به حال پیوند می‌زند؛ ضمن آنکه تصویری از تصمیم‌ها، رویدادها و پیامدهای کلیدی را

در خلال روایت‌ها به ما نشان می‌دهد. همچنین در تعریفی دیگر سناریو ابزاری برای توصیف آینده و مواجهه با عدم قطعیت موجود در محیط است (سی گلن و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲). تحول ژئوپلیتیکی: عبارت است از بروز تغییر و دگرگونی در الگوها، نظم‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۲۴).

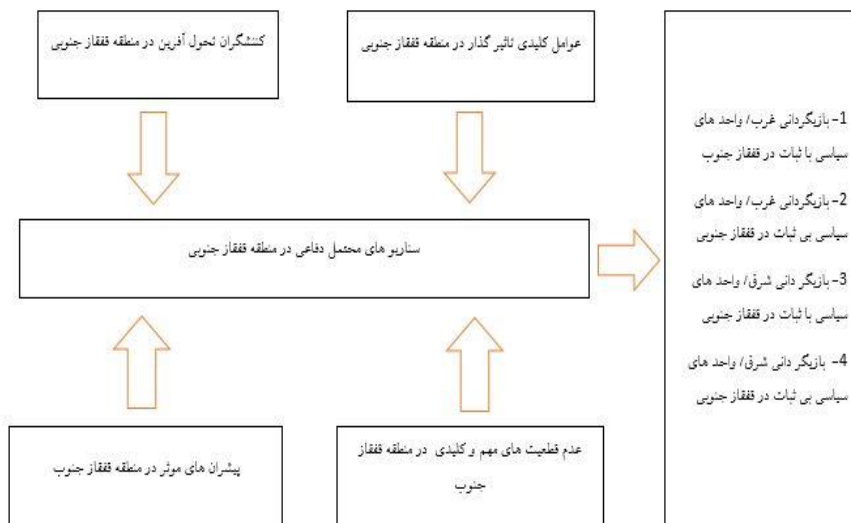
۳. چهارچوب نظری و مدل مفهومی

الگوهای مختلفی برای سناریونویسی وجود دارد که تقریباً همه آن‌ها به شناسایی عدم قطعیت‌ها و طراحی سناریوها از عدم قطعیت‌ها منجر می‌شوند. پدرام و احمدیان الگویی را ارائه دادند که به‌نوعی برگرفته شده از روش سناریونویسی ۸ مرحله‌ای «پیتر شوارتز» بوده و به نظر کامل‌تر از سایر الگوها است و به‌عنوان چهارچوب نظری در این پژوهش استفاده شده است. در این الگو تمرکز اصلی روی عدم قطعیت‌ها است و بعد از شناسایی عدم قطعیت‌ها و تقاطع آن‌ها، سناریوهای اصلی به‌دست می‌آید.

در این پژوهش، مدل تحلیل به‌صورت کلی به‌صورت شکل (۱)، قابل ترسیم است. با توجه به شکل، ابتدا عوامل کلیدی تأثیرگذار در منطقه قفقاز جنوبی براساس نظر تیم خبرگی مشخص و سپس کنشگران تأثیرگذار در منطقه مورد بحث به دو دسته بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مشخص گردیدند. در مرحله بعد تیم خبره پیشران‌های مؤثر در منطقه قفقاز جنوبی را معین و برحسب درجه اهمیت و نااطمینانی به هر پیشران امتیاز داده شد که با توجه به درجه بالای اهمیت و درجه بالای نااطمینانی، هشت مورد عدم قطعیت شناسایی و با ترکیب موارد مشابه دو عدم قطعیت کلیدی احصاء و بر این اساس چهار سناریو شامل: بازیگردانی غرب- واحدهای سیاسی باثبات در قفقاز جنوبی، بازیگردانی غرب- واحدهای سیاسی



بی‌ثبات در قفقاز جنوبی، بازیگردانی شرق- واحدهای سیاسی باثبات در قفقاز جنوبی و بازیگردانی شرق- واحدهای بی‌ثبات قفقاز جنوبی مشخص و تدوین گردیدند.



شکل ۱: مدل مفهومی

۴. روش شناسی پژوهش

با توجه به اینکه این پژوهش مورد استفاده تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در حوزه دفاعی کشور قرار می‌گیرد، کاربردی است و از آن جهت که موجب توسعه ادبیات ژئوپلیتیکی می‌گردد، توسعه‌ای نیز محسوب می‌شود؛ بنابراین، تحقیق حاضر از نوع «توسعه‌ای- کاربردی» است. روش تحقیق این پژوهش از لحاظ شیوه نگارش و پرداختن به مسئله تحقیق، روش توصیفی- تحلیلی بر پایه سناریونویسی با رویکرد منطق شهودی انجام می‌شود و اطلاعات مورد نیاز نیز از طریق روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و نظر خبرگان در این حوزه جمع‌آوری گردیده است. شایان ذکر است در تحقیقات توصیفی- تحلیلی، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. در روش تحقیق این پژوهش پس از مطالعه ادبیات موضوع، نسبت به تدوین مباحث نظری پرداخته شده است. همچنین در این تحقیق به منظور تحلیل همکاری‌های

احتمالی از روش آینده‌پژوهی (سناریونویسی) در بخش تحلیلی استفاده گردیده است؛ بنابراین برای سناریونویسی در این تحقیق از الگوی سناریونویسی در موضوعات راهبردی توسط «عبدالرحیم پدرام و احمدیان» استفاده شده است. که گام‌های (مراحل) این الگو به شرح ذیل است:

گام اول، شناسایی بازیگران؛ گام دوم، شناسایی مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار؛ گام سوم، شناسایی پیشران‌ها؛ گام چهارم، شناسایی عدم قطعیت‌ها؛ گام پنجم، تعیین عدم قطعیت‌های کلیدی؛ گام ششم، نوشتن سناریوها؛ گام هفتم، ارزیابی سناریوها؛ گام هشتم: بازنگری و بازخوردگیری از سناریوها.

۵. محیط‌شناسی منطقه

۵-۱. جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان در جنوب شرقی قفقاز و کنار ساحل غربی دریای خزر واقع شده و از جنوب با جمهوری اسلامی ایران، از غرب با جمهوری‌های گرجستان، ارمنستان و ترکیه و از شمال با روسیه (جمهوری خودمختار داغستان) هم‌مرز و پایتخت آن بندر باکو است. این کشور در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد شوروی به استقلال رسیده و در مارس ۱۹۹۲ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. جمهوری آذربایجان دارای یک جمهوری خودمختار (نخجوان) و یک منطقه خودمختار (قره‌باغ) است (کولایی، ۱۳۹۳: ۹۵). اسلام، دین اکثریت مردم این کشور را تشکیل داده و سه چهارم جمعیت مسلمانان شیعه بوده و بقیه آنان سنی حنفی هستند. در این جمهوری بیش از ۲۰ گروه قومی زندگی می‌کنند. آذربایجان به علت دارا بودن منابع نفت و گاز دارای اهمیت ژئوپلیتیکی ویژه بوده و مورد توجه غرب قرار گرفته است. ارمنستان کاملاً در خشکی محصور است و دو کشور همسایه (آذربایجان و ترکیه) روابط غیردوستانه‌ای با ارمنستان دارند. گرجستان به جهت قرار گرفتن در مسیر ارتباط بازار مصرف انرژی آذربایجان و همچنین دروازه ورود غرب به قفقاز و آسیای مرکزی، دارای ویژگی گذرگاهی شده و امید دارد این مزیت ژئوپلیتیکی تا حدی به رونق کشور کمک کند. همچنین



در سال‌های اخیر ارمنستان از طریق جاده لاری در خاک گرجستان با روسیه ارتباط زمینی برقرار کرده است (افشردی، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۵). اصلی‌ترین دغدغه جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور تازه استقلال یافته مبتنی بر تثبیت ساختارهای سیاسی و امنیتی بوده و بر این اساس از زمان استقلال تاکنون تمامی مواضع و تحرکات کشورها نسبت به باکو را (چه در سطح منطقه‌ای و چه بین‌المللی) از زاویه امنیتی بررسی کرده است و دوری یا نزدیکی خود به آن‌ها را بر همین مبنا تعریف کرده است؛ به طوری که اکنون جایگاه همسایگان و متحدان این جمهوری بیش از هر چیز با توجه به تأثیری که آن‌ها بر امنیت ملی باکو می‌گذارند، ارزیابی می‌شود. از نظر سیاسی، جمهوری آذربایجان یک مثال ابتدایی از یک حکومت استبدادی در دوران پس از فروپاشی شوروی است. دموکراسی در این جمهوری، سوءاستفاده گروه اقلیت حاکم از قدرت را پنهان می‌کند؛ در مورد جمهوری آذربایجان این گروه نماینده یک قبیله خانوادگی است که جانشینی در آن براساس اصل ارشدیت صورت می‌گیرد (کریمی شیرودی، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

۵-۲. ارمنستان

جمهوری ارمنستان در غرب قاره آسیا، در قسمت جنوب غربی منطقه قفقاز بدون دسترسی به دریا در منطقه‌ای کوهستانی و بین دریای خزر و سیاه محصور شده است. این کشور از جنوب با جمهوری اسلامی ایران، جنوب غربی با جمهوری خودمختار نخجوان، غرب با ترکیه، شمال با گرجستان و جنوب با جمهوری آذربایجان مرز مشترک دارد. این کشور با اعلام انحلال شوروی توسط رؤسای جمهوری روسیه، اوکراین و روسیه سفید در مینسک در دسامبر ۱۹۹۱، پس از گذشت ۷۰ سال از تسلط اتحاد شوروی خارج و در مارس ۱۹۹۲ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. ارمنستان از نظر ترکیب قومی، بهترین وضعیت را در میان جمهوری‌های قفقاز داشته و براساس آخرین آمارهای موجود بیش از ۹۷/۹ درصد از جمعیت این جمهوری را ارمنه، ۱/۳ درصد را کردها و ۰/۵ درصد آن‌ها را سایر قومیت‌ها تشکیل می‌دهند. اولویت سیاست خارجی ارمنستان پس از استقلال برقراری روابط راهبردی با

قدرت‌های بزرگ و روابط عادی با کشورهای همسایه بوده است. ارمنستان در برقراری روابط دیپلماتیک عادی با ترکیه و جمهوری آذربایجان با مشکل روبرو بوده است؛ ریشه مشکل با آنکارا بر سر مسئله کشتار ارامنه و با باکو بر سر منطقه قره‌باغ بوده است (کریمی شیروودی، ۱۳۹۷: ۱۱۳). در سال‌های اخیر ارمنستان از طریق جاده لاری در خاک گرجستان با روسیه ارتباط زمینی برقرار کرده است (افشردی، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۵).

۵-۳. گرجستان

جمهوری گرجستان در مرکز و غرب منطقه قفقاز در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده است. این جمهوری پس از استقلال، در ژوئیه ۱۹۹۲ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. آمارهای دولتی میزان گرجی‌های کشور را ۸۳/۸ درصد نشان می‌دهند. آبخازها، اوست‌ها و آجارها اقلیت‌های عمده هستند که طی سالیان استقلال کشور سر به شورش برداشته و به‌خصوص دو اقلیت اول به‌شدت با دولت مرکزی درگیر شده و عملاً سرزمین خود را از دولت مرکزی جدا ساخته‌اند. به‌طوری که روسیه استقلال آن‌ها را به رسمیت شناخته است. اقلیت‌های عمده‌ای چون آذری‌ها و ارامنه نیز به‌طور بالقوه انگیزه و توان تحرک و تجزیه‌طلبی را دارند اما تاکنون چنین تحرکی را از خود بروز نداده‌اند (افشردی، ۲۴۳: ۱۳۸۱). گرجستان در ترکیب سیاسی خود دارای دو جمهوری و یک منطقه خودمختار است؛ جمهوری خودمختار آبخازیا در شمال غرب و هم‌مرز با روسیه، جمهوری خودمختار آجاریا در جنوب غربی و هم‌مرز با ترکیه و منطقه خودمختار اوستیای جنوبی در شمال و هم‌مرز با روسیه قرار دارند. اهمیت این کشور از دیدگاه ژئوپلیتیک و مزیت‌های راهبردی سرزمینی در مسائل اقتصادی به مسائل امنیتی نیز تسری یافته است؛ به‌طوری که در ترتیبات امنیتی قفقاز جنوبی به علت برخورداری از موقعیت مهم در منطقه، کانون ارتباط شرق به غرب و جنوب به شمال به شمار می‌رود. ترکیب گرجستان در ساختارهای غربی از جمله اولویت‌های اصلی سیاست خارجی تفلیس است و مقام‌های آن اهداف راهبردی خود را پیوستن به نهادهای اروپایی اعلام کرده و معتقدند عملیاتی شدن این برنامه منافع متقابل زیادی برای کشورهای منطقه و همچنین اتحادیه اروپا



در برخواهد داشت. این کشور بعد از انقلاب گل رز در سال ۲۰۰۱ با اتخاذ سیاست روس‌گریزی و گسترش روابط با غرب به‌ویژه آمریکا در حال حرکت به سمت ساختارهای غربی است. این جمهوری همچنین به‌عنوان دروازه ورودی قفقاز و حساس‌ترین بخش آن، از گسترش ناتو به شرق و اقدام‌های جدید آن به گرمی استقبال و آن را از هر نظر سازگار با منافع ملی خود ارزیابی کرد و با جنگ سال ۲۰۰۸ واگرایی نهایی خود را از روسیه نشان داد (کریمی شیرودی، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

نقشه ۱: ساختار سیاسی منطقه قفقاز جنوبی (<http://www.etomest>)



۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۶-۱. مهم‌ترین کنشگران تحول‌آفرین در قفقاز جنوبی

کنشگران تحول‌آفرین بازیگرانی هستند که به‌واسطه داشتن منابع و گزینه‌های اقدام متنوع، قدرت و قابلیت تأثیرگذاری بر محیط را داشته و بتوانند بازی‌های گوناگون را در زمین بازی قفقاز پیاده کنند. این کنشگران می‌توانند فراملی یا فروملی باشند. در این پژوهش کنشگران تحول‌آفرین در قفقاز جنوبی به دو دسته «کنشگران منطقه‌ای» و «کنشگران فرامنطقه‌ای» تقسیم‌بندی شده‌اند. در خصوص تعیین مهم‌ترین کنشگران تحول‌آفرین در قفقاز جنوبی یک نشست خبری با حضور افراد صاحب‌نظر و خبره که با مشورت اساتید راهنما انتخاب شده

بودند برگزار شده است که ضمن مصاحبه با افراد در پنل خبرگی در این خصوص بحث و بررسی و نتایج مباحث به شرح زیر جمع‌بندی شد. شایان ذکر است که در پنل‌های خبرگی این بخش از اساتید دانشگاه‌های تهران و دیپلمات‌های ایران در منطقه تا معاونین ستاد کل نیروهای مسلح نیز حضور داشتند که پس از بحث و تبادل نظر بین اعضای پنل این جمع‌بندی حاصل شد که کنشگران فرامنطقه‌ای شامل ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی، ناتو، چین و کنشگران منطقه‌ای قفقاز جنوبی، روسیه، ایران، ترکیه و سه کشور قفقاز جنوبی شامل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان هستند. در این مجموعه، روسیه و ترکیه نیز کنشگر مؤثر محسوب می‌شوند.

۲-۶. شناسایی عوامل کلیدی و تأثیرگذار در محیط ژئوپلیتیکی قفقاز

پس از شناسایی بازیگران، باتوجه به شناخت ایجاد شده و مطالعات صورت گرفته، مهم‌ترین عوامل کلیدی و تأثیرگذار در محیط شامل عوامل نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی امنیتی، زیست‌محیطی و جغرافیایی شناسایی و این موارد در قالب پنل مطرح و بررسی شد که مهم‌ترین موارد بااهمیت شناسایی و برابر جدول (۱)، آورده شده است.

جدول ۱: عوامل کلیدی و تأثیرگذار در محیط قفقاز جنوبی

عوامل کلیدی و تأثیرگذار در محیط	عوامل سیاسی و امنیتی	اختلاف و شکاف‌های قومی و مذهبی
		اختلاف بین احزاب و گروه‌ها
		حضور و تأثیر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در مباحث سیاسی و امنیتی
		عضویت و حضور در پیمان‌های سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
عوامل نظامی		وابستگی نظامی به سایر کشورها
		عدم توازن قوا
		سابقه جنگ‌های مختلف در منطقه
عوامل اقتصادی		منابع و مسیر انرژی
		حضور شرکت‌های خارجی
		مسیر کالا
		فراوانی قومیتی



اختلافات قومی	عوامل فرهنگی و اجتماعی	
عدم انسجام اجتماعی		
ضعف قانون در ساختارهای اجتماعی		
رشد و گسترش رسانه		
کمیت جمعیت		
ملی‌گرایی	عوامل زیست‌محیطی	
کمبود منابع آبی		
وجود بلندی‌ها و نقاط استراتژیک		
زمین‌های قابل کشت و کشاورزی		
منابع نفت و گاز و وجود معادن		
شکل کشورها	عوامل فیزیکی	
وضعیت مرزها		
محصور بودن کشورها		
برخورداری از موقعیت ارتباطی		
دوپارگی سرزمینی		

۳-۶. شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر

با استفاده از عوامل کلیدی مؤثر بر تحولات قفقاز جنوبی و با بهره‌گیری از مطالعات انجام‌شده و نظرات کارشناسان این حوزه مهم‌ترین پیشران‌ها در سه عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شناسایی و در یک پنل خبرگی به «اعضای پنل»^۱ ارائه شد. سپس صاحب‌نظران به نقد موارد ارائه شده پرداخته و آنتی‌ترهای متعددی مطرح شد که از برخی نقدها دفاع و نهایتاً سنتز جلسه که احصای مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر منطقه قفقاز جنوبی بود به شرح جدول (۲)، حاصل گردید.

۱. در این پنل‌ها اساتیدی از دانشگاه‌های تهران، معاونین ارتش، معاونین ستاد کل نیروهای مسلح، رایزنان نظامی، دیپلمات‌های وزارت خارجه و دیگر نهادهای مربوطه حضور داشتند که بنا به محدودیت‌های موجود، تشریح دقیق اعضای پنل‌ها و اطلاعات محرمانه و فوق محرمانه ارائه‌شده از سوی آن‌ها مقدور نیست. بالاین‌حال، مؤلفین این مقاله و اساتید راهنمای این رساله، تمامی ادعاهای مطرح‌شده را راستی‌آزمایی کرده و سوگیری احتمالی آن‌ها را در جلسات خبرگی موردنظر به نقد کشیدند.

از نکات مثبت این پنل جلسات متعدد صاحب‌نظران متخصص و میدانی زیر نظر اساتید مشاور بود تا پس از احصای پیشران‌های مختلف، پس از ارائه استدلال‌ها و با توجه به داده‌های میدانی، به هر یک از پیشران‌ها براساس ضریب تأثیر و عدم قطعیت‌ها امتیاز داده شد.

جدول ۲: وزن‌دهی به پیشران‌ها براساس ضریب تأثیر و عدم قطعیت

پیشران‌ها	پیشران	ضریب تأثیر	ضریب عدم قطعیت
پیشران‌های محیطی	احزاب سیاسی داخلی	۲	۱
	اختلاف قومیت‌ها	۳	۱
	حفظ مشروعیت	۱	۱
	حصارزنی پلینیکی	۲	۱
	اقتصاد کشورهای قفقاز جنوبی	۲	۲
	علاق و همبستگی قومی	۲	۱
پیشران‌های منطقه‌ای	منافع اقتصادی ترکیه	۲	۱
	پان ترکیسم	۳	۱
	تنش و بحران‌های منطقه‌ای (درگیری‌های ارضی و مرزی)	۳	۲
	جولوگیری از حرکت ناتو به سمت شرق	۳	۳
	نفوذ منطقه‌ای روسیه	۲	۱
	برقراری مسیر استراتژیکی شمال- جنوب	۱	۱
	حضور رژیم صهیونیستی در نزدیکی مرزهای ایران	۲	۱
	تغییر در مرزهای جغرافیایی	۲	۲
	شکل‌گیری گروهک‌های معاند و تروریست در کشورهای قفقاز جنوبی	۱	۱
	مسیر انتقال کالا و انرژی	۲	۱
پیشران‌های بین‌المللی	حرکت ناتو به سمت شرق	۳	۳
	هم‌سویی کشورهای قفقاز جنوبی با غرب و آمریکا	۳	۲
	عضویت کشورهای قفقاز جنوبی در ناتو	۳	۳
	شرکت‌های نفتی	۱	۱
	مسیر انتقال کالا و انرژی به صورت شرقی- غربی	۲	۱
	سیاست منطقه‌ای آمریکا در منطقه	۲	۱

شناسایی عدم قطعیت‌ها از نظر کارشناسان و خبرگان: با توجه به امتیازهای داده‌شده به پیشران‌ها، در ابتدا هشت عدم قطعیت محرز گردید که این عدم قطعیت‌ها به شرح زیر هستند:

۱. وضعیت اقتصادی کشورهای قفقاز جنوبی؛

۲. سیاست منطقه‌ای آمریکا؛

۳. سیاست منطقه‌ای روسیه؛

۴. وضعیت بحران‌های منطقه‌ای؛



۵. ساختار و ثبات سیاسی در کشورهای قفقاز جنوبی؛

۶. وضعیت تنش‌های منطقه‌ای؛

۷. غرب‌گرایی کشورهای قفقاز جنوبی و حرکت ناتو به شرق؛

۸. روس‌گرایی کشورهای قفقاز جنوبی.

در گام بعدی، فهرست عدم قطعیت‌ها در اختیار اعضای گروه خبرگی قرار گرفت و با توجه به نظرات خبرگان

❖ موضوع شناسایی عدم قطعیت‌ها مبنی بر ادغام سیاست منطقه‌ای آمریکا و غرب‌گرایی کشورهای قفقاز جنوبی تابع یکدیگر شدند و از تأثیرگذاری و درجه اهمیت بالایی برخوردار گردیدند.

❖ از طرف دیگر سیاست منطقه‌ای روسیه و روس‌گرایی کشورهای قفقاز جنوبی نیز که از یک جنس تلقی شده و می‌توانند با یکدیگر جمع شوند، به‌عنوان یک عامل مهم و اثرگذار دیگر شناسایی گردیدند.

❖ همچنین بحران‌های منطقه و تنش‌های قومی، ارضی و مرزی نیز عامل تأثیرگذار دیگری بودند که می‌بایستی در منطقه لحاظ می‌گردیدند؛ بنابراین این عامل به‌عنوان ثبات یا بی‌ثباتی در نظر گرفته شد.

❖ در نهایت نیز از آنجایی که ساختار سیاسی و وضعیت اقتصادی نمی‌تواند در تقاطع با سایر مؤلفه‌ها قرار گیرد حذف گردید. در نتیجه دو عدم قطعیت کلیدی و مهم در قفقاز جنوبی، یکی از عوامل داخلی و دیگری از عوامل فرامنطقه‌ای شناسایی شد:

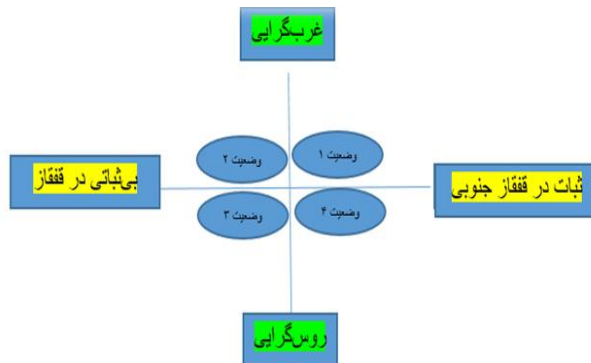
۱. بازیگردانی غرب- بازیگردانی شرق در قفقاز؛

۲. ثبات- بی‌ثباتی داخلی واحدهای قفقاز جنوبی.

گام نهایی نگارش سناریو: در نگارش سناریوها و آینده‌های بالقوه آنچه مهم است رسیدن به این مطلب است که ما باید از وضعیت موجود درک درستی داشته باشیم. تحولات قفقاز جنوبی به لحاظ هم‌مرز بودن با شمال و شمال‌غرب ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. هر یک از واحدهای سیاسی در قفقاز جنوبی دارای یک جغرافیا، جمعیت و حاکمیت

مشخص است. قفقاز جنوبی براساس تنوع قومیتی بالا، موقعیت خاص استراتژیکی و ژئوپلیتیکی، منابع نفت و گاز و ...، زمینه حضور بازیگران زیادی را در عرصه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم نموده است. به بیان واضح، عدم قطعیت‌های موجود در آینده قفقاز جنوبی برای پیش‌بینی تحولات آن اهمیت زیادی دارد. بنابراین برای نگارش سناریو لازم بود دو عدم قطعیت کلیدی به دست آمده را در یکدیگر ادغام نماییم تا سناریوهای مختلفی مشخص شود. پس با ادغام دو عدم قطعیت، چهار حالت به دست آمد و برای هر یک از دو عدم قطعیت‌ها، دو وضعیت متفاوت پیش‌بینی شد: یکی اینکه با بازیگردانی شرق شاهد واحدهای باثبات در قفقاز جنوبی باشیم و در حالت دیگر باز با بازیگردانی شرق شاهد بی‌ثباتی در قفقاز جنوبی گردیم؛ دوم اینکه همین دو حالت برای بازیگردانی غرب در قفقاز جنوبی در نظر گرفته شده و با بازیگری غرب شاهد ثبات در قفقاز جنوبی باشیم و در حالت دوم با بازیگردانی غرب شاهد بی‌ثباتی در قفقاز جنوبی باشیم. به عبارت دیگر ۴ موقعیت فضای احتمالاتی آینده قفقاز به شرح زیر ترسیم شد؛

۱. بازیگردانی غرب- واحدهای سیاسی باثبات در قفقاز جنوبی؛
۲. بازیگردانی غرب- واحدهای سیاسی بی‌ثبات در قفقاز جنوبی؛
۳. بازیگردانی شرق- واحدهای سیاسی بی‌ثبات در قفقاز جنوبی؛
۴. بازیگردانی شرق- واحدهای سیاسی باثبات در قفقاز جنوبی.



شکل ۲: وضعیت‌های مختلف برای تدوین سناریوها



در این بخش منطق سناریوها خواهد آمد. در این میان اشاره به چند نکته کلیدی است. نخست اینکه این روایت‌ها صرفاً یک خط داستانی از اتصال اتفاقات محتمل در هر وضعیت هستند که الزاماً ثابت نخواهد بود. به عبارت دیگر امکان وقوع اتفاقاتی مشابه و یا با ترتیب زمانی متفاوت نیز در آن سناریو به هیچ وجه دور از ذهن نیست. دومین نکته، قابلیت عبور از یک سناریو به سناریوی دیگر است. برای مثال ممکن است در پی یک انتخابات یا رخداد سیاسی، یک کشور منطقه از بی‌ثباتی به سمت ثبات حرکت کرده و وضعیت سناریویی تغییر کند. نکته سوم به منطق روایی داستان سناریو و تأثیر آن بر مدل تصمیم‌سازی سیاستمداران ایرانی بازمی‌گردد. به بیان دیگر، این خطوط داستانی از آینده، برای این هستند که نهادهای تصمیم‌ساز از هم‌اکنون آمادگی خود را برای چهار وضعیت مختلف افزایش داده و با دیدن نشانه‌های هر سناریو، به سرعت واکنش نشان داده و سیاست و اقدام متناسب را در دستور کار قرار دهند.

سناریو اول

نام سناریو: بازیگردانی غرب - واحدهای سیاسی باثبات در قفقاز جنوبی
شاخص راهنما:

- اول: یکی از استان‌های نوپدید روسیه در اوکراین آزاد می‌شود.

- دوم: رشد اقتصادی ارمنستان و آذربایجان به ۴-۶ درصد می‌رسد.

رخدادهای کلیدی:

۱. آزادسازی بخش عمده خرسون یا زاپروژیا توسط ارتش اوکراین در سال ۲۰۲۳

میلادی، یک نقطه عطف در معادلات دریای سیاه و حوزه بالکان خواهد بود.

۲. تشکیل و آغاز به فعالیت کنسرسیومی چندملیتی برای اتصال راه‌آهن بندر چابهار به

اروپا به عنوان کلید آغاز دوباره تعاملات سازنده ایران و غرب تلقی خواهد شد.

۳. ایده ایجاد یک پیمان تجاری میان ترکیه، آذربایجان، گرجستان، اوکراین و حتی

ارمنستان برای همکاری اقتصادی و ترانزیتی میان دریای خزر و دریای سیاه مطرح

شده و به محفلی برای مهار اقتصادی روسیه در این منطقه مبدل خواهد شد.

۴. وضعیت عراق، سوریه و لبنان در شامات نسبتاً پایدار خواهد شد؛ که از یک سو نمایانگر ثبات نسبی در مناطق پیرامونی مانند قفقاز، مدیترانه و خلیج فارس است و از سوی دیگر، رونق اقتصادی منطقه، زمینه نارضایتی داخلی و تشدید بحران را تا حدودی از میان برده است.

چشم‌انداز (ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی): سطوح جغرافیایی (سرزمینی)، سیاسی، اقتصادی، امنیتی-اجتماعی:

چشم‌انداز قفقاز جنوبی و محیط پیرامونی آن در این سناریو بسیار باثبات بوده و مرزهای سرزمینی در آن تغییر چندانی نداشته و ثبات سیاسی و رونق اقتصادی در کشورهای قفقاز در حالی شکل گرفته است که اختلافات سیاسی جناح‌ها و گروه‌های داخلی در این کشورها به یک موضوع حاشیه‌ای مبدل شده است. نیروها و بازیگران فرامنطقه‌ای مانند ایران و ترکیه نیز هر یک سهم نسبتاً مشخصی از اقتصاد و سیاست سه کشور قفقاز جنوبی را در اختیار گرفته و به تبع آن، احتمال مداخله بیرونی و برهم زدن معادلات نیز به کمترین حد خود در دهه اخیر سقوط خواهد کرد. تهدیدات امنیتی واحدهای قفقاز و کشورهای دیگر برای این سه کشور نیز بسیار محدود و کم تعداد خواهد بود؛ به طوری که به واسطه در هم تنیدن منافع اقتصادی کشورهای بزرگی مانند ایران و ترکیه، با منافع جریان حاکم در کشورهای قفقاز، بستر همکاری امنیتی میان آن‌ها نیز فراهم خواهد بود.

سناریو دوم

نام سناریو: بازیگردانی غرب/ بی‌ثباتی در قفقاز جنوبی

شاخص راهنما:

- اول: بودجه گسترش حوزه ناتو افزایش یافته و طرح عضویت کشورهای جدید در دستور کار مجمع این سازمان قرار گرفته است.

- دوم: انتخابات زودهنگام در ارمنستان به اعتراضات وسیع مردمی منتهی می‌شود.

رخدادهای کلیدی:



۱. افشای فساد گسترده سیاسی و اقتصادی در میان سران ارمنستان در آستانه انتخابات،

به موج اعتراضات عمومی دامن می‌زند.

۲. ترکیه در منطقه آزاد شده قره‌باغ، کنسولگری تأسیس می‌کند.

۳. دولت فنلاند، تقاضای عضویت در ناتو را به دبیرخانه این سازمان ارسال می‌کند.

۴. عملیات تروریستی علیه یکی از شخصیت‌های سیاسی و امنیتی در استان‌های شمال

غرب ایران رخ می‌دهد.

چشم‌انداز (ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی)، سطوح جغرافیایی (سرزمینی)، سیاسی، اقتصادی، امنیتی-اجتماعی:

بی‌ثباتی سیاسی در ارمنستان و گرجستان و کاهش امنیت داخلی در این کشورها، مهم‌ترین و عیان‌ترین مؤلفه قفقاز جنوبی در آینده دور این سناریو به شمار می‌رود. این در حالی است که امنیت اقتصادی این کشورها نیز نه‌تنها در سطح کلان یعنی در نرخ رشد و تولید ناخالص داخلی کاهش نشان خواهد داد، بلکه در سطح خرد نیز فساد در کنار افزایش تورم در این کشورها فشار زیادی به شهروندان وارد خواهد کرد. در بخش امنیت فیزیکی و سرزمینی نیز، بعید نیست که برخی تحرکات نظامی در منطقه قره‌باغ یا نوار مرزی کشورهای قفقاز مشاهده شود. عملیات پراکنده در کنار عملیات خرابکارانه در این سناریو افزایش نشان داده و امنیت روانی شهروندان این کشورها کاهش خواهد یافت. کاهش سرمایه اجتماعی، نارضایتی عمومی و ضعف دولت‌های داخلی نیز زمینه را برای مداخله بیشتر بازیگران فرامنطقه‌ای فراهم خواهد کرد. بنابراین، دورنمای این سناریو، برای جمهوری اسلامی ایران به‌هیچ‌وجه جذابیت نخواهد داشت.

سناریو سوم

نام سناریو: بازیگردانی شرق/ واحدهای سیاسی بی‌ثبات در قفقاز جنوبی

شاخص راهنما:

- اول: یورش وسیع و غافلگیرکننده روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۳ با تمرکز بر استان‌های

ساحلی این کشور به‌منظور قطع دسترسی دریایی کیف.

- دوم: دولت‌های گرجستان و ارمنستان با تغییرات جدی در سال آینده روبرو خواهند شد. رخدادهای کلیدی:

۱. روسیه در مسیر ادغام مناطق روس‌نشین به خاک خود، مناطق روس‌نشین گرجستان را نیز اشغال کرده و به‌عنوان استان جدید اعلام خواهد کرد.

۲. جابه‌جایی‌های سریع سیاسی، فارغ از این‌که ناشی از مرگ، ترور و یا حتی انتخابات زودهنگام ناشی از نارضایتی عمومی، در قفقاز جنوبی به رخدادی پرتکرار تبدیل خواهد شد.

۳. علی‌رغم لفاظی‌های مداوم دولتمردان ارمنستان و آذربایجان، چیزی جز برخی تنش‌های پراکنده در مرزهای دو کشور به وقوع نخواهد پیوست.

۴. رجب طیب اردوغان از رأس هرم قدرت ترکیه خارج خواهد شد.

چشم‌انداز (ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی)، سطوح جغرافیایی (سرزمینی)، سیاسی، اقتصادی، امنیتی-اجتماعی:

قفقاز جنوبی در این سناریو به یک منطقه حاشیه‌ای تبدیل خواهد شد که به دلیل بی‌ثباتی واحدهای سیاسی و همچنین نرخ نزولی شاخص‌های اقتصادی در آن، دیگر مطلوبیتی برای قدرت‌های جهانی نخواهد داشت. جغرافیایی اجتماعی و هویتی این منطقه با درگیری‌های متعدد جریان‌های اجتماعی و قومی با رویکردهای مختلف قابل فهم بوده و هیچ گفتمان مسلط و فراگیری در کل منطقه شکل نخواهد گرفت. این رقابت‌های هویتی به زمین سیاست داخلی نیز تسری یافته و در نتیجه، قدرت سیاسی در میان جریان‌های مختلف دست‌به‌دست خواهد شد. در سطح امنیتی و استراتژیک، این سه کشور کمتر توسعه‌یافته، در تأمین امنیت خود ناکام بوده و به‌عنوان واردکننده امنیت، روابط راهبردی و نظامی خود با هم‌پیمانان فرامنطقه‌ای را به‌هیچ‌وجه کاهش نخواهند داد. وابستگی اقتصادی و نظامی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ارمنستان و آذربایجان، عملاً قدرت کنشگری فعال و پیش‌دستانه آن‌ها در ساحت دیپلماتیک را نیز محدود خواهد کرد. اما بعید نیست که در گرجستان شاهد تغییر مرزها بوده و جغرافیای سرزمینی جدید را در این منطقه شاهد باشیم. در نتیجه، قفقاز جنوبی



به یک زمین بازی نسبتاً متروکه تبدیل خواهد شد که دوباره از آن با عنوان «حیات خلوت مسکو» نام برده خواهد شد.

سناریو چهارم

نام سناریو: بازیگردانی شرق - واحدهای سیاسی باثبات در قفقاز جنوبی
شاخص راهنما:

- اول: روسیه از بسته پیشنهادی خود برای احداث یک گذرگاه ارمنی-آذری تحت نظارت کشور ثالث (روسیه) رونمایی می‌کند.

- دوم: دور جدید مذاکرات میان باکو و ایروان به جریان افتاده و نشانه‌های مثبتی از آن مخابره می‌شود.

رخدادهای کلیدی:

۱. مذاکرات موفق میان ایروان و باکو به میزبانی روسیه به جریان خواهد افتاد.
۲. مسئله احداث گذرگاه به سمت نخجوان از نوار مرزی ایران و ارمنستان به کلی از دستور کار خارج خواهد شد.
۳. وقوع جنگ داخلی در افغانستان و تشدید درگیری‌ها در حاشیه دریای سرخ مهم‌ترین رخدادهای امنیتی در غرب آسیا خواهند بود.
۴. مذاکرات ایران و قدرت‌های جهانی با محوریت فعالیت هسته‌ای دوباره به جریان می‌افتد.

چشم‌انداز (ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی)، سطوح جغرافیایی (سرزمینی)، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اجتماعی:

قفقاز جنوبی در این سناریو، یک سرزمین نسبتاً آرام است که سه کشور با رشد اقتصادی مثبت و آرامش سیاسی در آن قرار دارند. مرزهای جغرافیایی تغییری را مشاهده نمی‌کنند و جغرافیای امنیتی نیز حاکی از این است که رویکرد خصمانه طرف‌های درگیر با کاهش جدی مواجه است. محیط اجتماعی و هویتی نیز در این کشورها از رویکردهای رادیکال و افراطی

فاصله گرفته است. در نتیجه، فعل و انفعالات اقتصادی و دیپلماتیک است که نتیجه رقابت میان دولت‌های قفقاز را مشخص می‌کند؛ نه قدرت نظامی و مداخله کشورهای فرامنطقه‌ای.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همان‌گونه که در طول مقاله نیز تشریح شد، مسئله سیاست خارجی به‌مثابه یک نقطه کانونی در اداره یک واحد سیاسی، زمانی با چالش جدی روبرو خواهد شد که آن کشور شاهد تحولات روزافزون و بعضاً غافلگیرکننده در محیط پیرامونی خود باشد. برای جلوگیری از این غافلگیری راهبردی، باید پیش از هر تحولی، احتمال وقوع آن سنجیده شده و سیاست‌های متفاوتی برای شرایط گوناگون تدوین شود. کشورها با شناسایی این سناریوها، به‌خوبی خواهند فهمید که وضعیت مطلوب و سناریوی فاجعه در چه شرایطی رخ خواهند داد. بنابراین، نه‌تنها به‌صورت پیش‌دستانه از وقوع سناریوهای نامطلوب جلوگیری خواهند کرد، بلکه در زمان کافی تلاش خواهند کرد تا منابع و شرایط اجرای سیاست‌های مطلوب خود را نیز تدارک ببینند. قفقاز جنوبی به‌عنوان یک منطقه پیرامونی، طی سالیان اخیر و دهه آینده دستخوش تحولات بسیاری بوده و خواهد بود. از سوی دیگر، کنشگری بازیگران جهانی مانند آمریکا، روسیه و ناتو در کنار محیط موازنه‌گری میان تهران و آنکارا در این منطقه به پیچیدگی روزافزون آن خواهد افزود. دخالت‌های بازیگرانی مانند پاکستان و رژیم صهیونیستی و همچنین بحران دنباله‌دار قره‌باغ میان باکو و ایروان نیز زمینه‌پویایی ساختاری را در این منطقه فراهم خواهد کرد. بر این اساس، با احساس ضرورت رسیدگی به این تحولات، در این مقاله تلاش شد تا فضای احتمالاتی آینده بر پایه چند عاملی کلیدی به بخش‌های نسبتاً شفاف تقسیم شود. این تقسیم‌بندی به چهار سناریو، عملاً ابهام عمومی نسبت به «آینده نااندیشیده» را کاهش داده و تصاویری اولیه از برخی رخدادهای کلیدی در آینده را ارائه می‌کنند. در نتیجه، دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان راهبردی در ایران این امکان را خواهند داشت تا رابطه میان منابع موجود و شرایط کنونی ایران را از یک‌سو، با شرایط مطلوب در هر سناریو، مرتبط ساخته و بهترین گزینه‌های اقدام را شناسایی کنند. براساس



تحلیل‌های خبرگی در طول این پژوهش (رساله دکترا) نیز مشخص شد که کنشگری روسیه در محیط باثبات داخلی در ارمنستان و آذربایجان به عنوان مطلوب‌ترین سناریو برای تهران در شرایط کنونی کمی کم‌رنگ شده و مهم‌ترین هدف کنونی ایران باید جلوگیری از افتادن در سناریویی باشد که از یک سو آمریکا و رژیم صهیونیستی و ترکیه کنشگری قفقاز را در اختیار دارند و از سوی دیگر، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در آذربایجان و ارمنستان، زمینه تنش و درگیری مداوم و سرریز شدن ناامنی به مرزهای ایران را فراهم کرده است.

پیشنهادهای پژوهش

با توجه به حضور رقا و دشمنان جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی، لازم است با آینده‌نگری، جهت ایفای نقش در این منطقه و ممانعت از هرگونه غافلگیری، تحولات و آینده‌های محتمل منطقه را پیش‌بینی و اقدام به موقع و مؤثر را که پیشنهادهای زیر نیز می‌تواند نمونه‌ای از آن باشد را اتخاذ نماییم؛

❖ با توجه به تغییر جهت تهدیدات آئی ج.ا.ایران از غرب به شمال غرب، در حال حاضر راهبرد و رویکرد کلانی مناسبی در این خصوص نداریم بنابراین ضروری است که با محوریت شورای عالی امنیت ملی نسبت به تهیه و تدوین راهبردهای مرتبط با قفقاز جنوبی اقدام و به تصویب شورای عالی امنیت ملی جهت ابلاغ به دستگاه‌های مرتبط در حوزه نظامی و کشوری جهت اجرا برسد. لازم است که برآورد تهدید ۵ ساله در منطقه قفقاز جنوبی را تهیه و سپس اولویت‌بندی تهدید را با محوریت قرارگاه مرکزی خاتم به انجام برسانیم.

❖ نظر به نوع رابطه ج.ا.ایران با بازیگران در قفقاز جنوبی نیاز است که شفاف‌سازی و رفع ابهام با روسیه در موضوع مسائل قفقاز جنوبی انجام پذیرد و پیشنهاد می‌گردد این موضوع با محوریت وزارت امور خارجه انجام گیرد و توجه به این مهم که انتصاب افراد و نمایندگان ویژه براساس توانمندی و شایسته‌سالاری انجام گردد تا بتوان منافع ملی را در همه حوزه‌ها (بدون گرایشات قومی مذهبی) دنبال و به مقصود رساند، همواره مدنظر قرار گیرد.

فهرست منابع

- ابوالقاسم اکبرنژاد، ابوالقاسم (۱۴۰۳)، *ارائه الگوی راهبردی در اداره امور روابط با همسایگان براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال بیست و دوم، شماره ۹۷.
- اخباری، محمد (۱۳۹۹)، *پیامد ژئوپلیتیک بحران قره‌باغ در مناسبات جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی*، دوره ۳، شماره ۱۰.
- افشردی، محمدحسین، بابایی، حامد (۱۳۹۵)، *تأثیر عوامل ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی در انتخاب راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال ۱۳۹۵، شماره ۶۴.
- اصولی اودلو، قاسم (۱۴۰۱)، *تقابل و نظم؛ سیاست امنیتی آمریکا و روسیه در قفقاز جنوبی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیک بیلندی، علی اصغر (۱۳۹۵)، *رساله دکتری تأثیر عوامل ژئوپلیتیک دریای خزر بر تدوین راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران*، تهران دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، دانشکده دفاع.
- پادماگریان، الکساندر (۱۳۸۰)، *تاریخ ارامنه، تاریخ اجتماعی و سیاسی ارامنه*، ترجمه گیو آقاسی، تهران انتشارات فرهنگی پاد.
- پدرام عبدالرحیم، احمدیان مهدی (۱۳۹۴)، *آموزه‌ها و آزموده‌های آینده‌پژوهی*، تهران: موسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی.
- حکیم، حمید (۱۴۰۰)، *تاریخ سیاسی و روابط بین‌الملل در قفقاز*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عارف، منوچهر (۱۴۰۰)، *ضرورت‌های روابط با گرجستان از منظر منافع منطقه‌ای ایران در قفقاز جنوبی*، دانشگاه مازندران.
- کاظمی‌پور دهبه، علی (۱۳۹۹)، *الگوی توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان با رویکرد ژئوپلیتیک در راستای ارائه یک مدل راهبردی در سیاست خارجی ایران*، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای) سال دهم، شماره ۴.



- کریمی شیرودی، محسن (۱۳۹۷)، *ثبات سیاسی قفقاز جنوبی تا سال ۲۰۲۵*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران
- کولایی الهه (۱۳۸۰)، *روسیه، اسرائیل جهت‌گیری‌ها و روابط*. مطالعات خاورمیانه شماره ۲۷، ص ۷۱-۱۱۳
- کولایی الهه (۱۳۸۹)، *جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی*. ژئوپلیتیک سال، ششم شماره ۱.
- محمودی، ساسان (۱۳۹۹)، *سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران در مقابل آینده‌های محتمل همکاری‌های دفاعی رژیم صهیونیستی*، عربستان و امارات، رساله دکتری، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، دانشکده دفاع.

References

- Bal banyan, Ani & Others (2011), Charged Decisions: Difficult Choices in Armenis's Energy Sector, Washington D.C: The World Bank Publications
- Chitatdze. Nika(2012). Geopolitical Interests of Iran in South Caucasus and Georgian-Iranian Relation. Journal of Social Sciences, 1(2).
- Chomakhidze, Demur (2007), "Georgia: Natural Energy Resources", Central Asia and the Caucasus, No. 4 (46), pp. 26-34
- Gultekin-Punsmann, Burcu (2012). TURKEY'S INTEREST AND STRATEGIES IN THE SOUTH CAUCASUS, Economic Policy Research Foundation of Turkey, EVALUATION NOTE.
- Iseri, Emre&Dilek, Oguz(2011), "The Limitation of Turkey's New Foreign Policy-Activism in The Caucasian Regional Security Complexity", Turkish Studies, Vol. 12, No. 1, 41-54
- Meister, Stefan (2021), "Shifting Geopolitical Realities in the South Caucasus", Available at: <https://www.ui.se/forskning/centrum-for-osteuropastudier/seecus->